

اصول مرتبط با حقوق اساسی دانش آموز در نظام حقوقی ایران

دکتر رسول احمدی فر*

دکتر علی نوری**

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر استخراج حقوق اساسی دانش آموز در نظام حقوقی ایران است تا با اتکای به آن، وظایف، تعهدات و مسئولیتهای معلمان، مسئولان مدرسه و سایر افراد دست اندرکار تربیت دانش آموزان شناسایی و معرفی شوند. پژوهش حاضر مطالعه‌ای کیفی است که با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی از نوع طبقه‌بندی استقرایی انجام شده است. مرور نظام‌مند و تحلیل منابع حقوقی به تدوین مجموعه‌ای از اصول تحت عنوان اصول حقوق دانش آموز در نظام حقوقی ایران منجر شده است. این اصول استخراج شده چهاردهگانه بر اساس میزان استناد در منابع قانونی مورد مطالعه در سه دسته تصریح شده در قوانین رسمی (مشمول بر دسترسی به آموزش رایگان، تسهیلات تربیت بدنی و برخورداری از آموزش عالی)، تأیید شده در قوانین رسمی (مشمول بر تأمین اجتماعی، آزادی انتخاب نوع و شیوه آموزش، ارتقای سطح دانش و آگاهی عمومی، آموزش به زبان مادری، امنیت تحصیلی، برخورداری از حقوق مساوی و آزادی فعالیتهای سیاسی و اجتماعی-فرهنگی) و تصریح شده در قوانین آموزش و پرورش (مشمول بر پرورش خلاقیت‌های هنری، ارتقای امکانات و فرصتهای مناسب اوقات فراغت، هدایت و راهنمایی تحصیلی و تسهیل شرایط آموزش کودکان با نیازهای ویژه) طبقه‌بندی شده اند. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده الگوی مفهومی استخراج شده از نگاه صاحب‌نظران و متخصصان حقوقی و تربیتی مورد واکاوی قرار بگیرد و با اعمال نظرات آنان تعدیل و اصلاح شود.

کلید واژگان: حقوق دانش آموز، حقوق اساسی دانش آموز، اصول حقوقی دانش آموز، نظام تربیتی

ایران

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۲۰

rahmadifar@malayeru.ac.ir

* استادیار گروه حقوق دانشگاه ملایر (نویسنده مسئول)

a.nouri@malayeru.ac.ir

** دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه ملایر

مقدمه

حقوق دانش‌آموز عبارت است از مجموعه قواعد و مقرراتی که از یک سو بیان‌کننده حقوق، آزادیها و مسئولیتهای دانش‌آموز است و از سوی دیگر بیان‌کننده مسئولیتهای اشخاصی است که در امر آموزش با دانش‌آموز در ارتباطاند. حقوق دانش‌آموز یکی از دغدغه‌های اساسی اصلاح‌گران اجتماعی و تربیتی است که در دهه‌های اخیر به صورت رسمی و قانونی در سازمانها و محافل بین‌المللی و ملی مورد توجه قرار گرفته و قوانینی ویژه در این زمینه به تصویب رسیده است. مثلاً، حق برخورداری از «آموزش برای همه» در ماده سیزده میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱ از سوی کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد^۲ و «حق تحصیل و آزادی تحصیل» در بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۳ از سوی کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد^۴ در سال ۱۹۶۶ به عنوان حقوق اساسی انسانها مورد تأکید قرار گرفته‌اند.^۵ سرانجام اینکه، تلاش جهانی برای توجه به حقوق کودکان به ارائه طرح «کنوانسیون حقوق کودک»^۶ انجامید که سرانجام سازمان ملل متحد آن را در سال ۱۹۸۹ با یک مقدمه و پنجاه و چهار ماده تصویب کرد.^۷ این کنوانسیون در حکم یک راهنمای بین‌المللی برای حمایت از حقوق کودکان کشورهای گوناگون به رسمیت شناخته شده است. ایران این تفاهم‌نامه را به صورت مشروط پذیرفته و نسبت به مواد و مقرراتی که مغایر با شریعت اسلام باشد، این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که هنگام تصویب، چنین حق شرطی را اعلان نماید (پورقهرمانی، ۱۳۸۳). در ادامه این تلاشها، صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)^۸ در سال ۱۹۹۷ طرح حکمیت برای کودکان را تصویب کرد که سازمان ملل متحد به استناد آن، همه کشورهای عضو را وادار می‌سازد که هیأتی در سطح ملی به عنوان حکم برای نظارت بر حقوق کودکان تعیین کنند (علوم‌یزدی، ۱۳۸۰). باوجود حمایت بین‌المللی از حقوق دانش‌آموز، در سطح ملی تلاشهای اندکی برای معرفی مبانی و اصول حقوق دانش‌آموز صورت گرفته است. در ایران نیز این حقوق به شکل یک مجموعه منسجم و مستقل از سوی نهادهای تربیتی یا حقوقی تدوین نشده است.

1. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

2. United Nations High Commissioner for Human Rights

3. International Covenant on Civil and Political Rights

4. United Nations Human Rights Committee

۵. ایران در تاریخ ۱۳۵۴/۰۲/۱۷ به آن ملحق شده است. قابل دسترس در سایت مجلس شورای اسلامی: rc.majlis.ir/fa/law/show/97260

6. Convention on the Rights of the Child

۷. تمامی کشورها به جز آمریکا و سومالی، عضویت در کنوانسیون جهانی حقوق کودک را پذیرفته‌اند.

۸. برای مطالعه بیشتر (نک. به جاها ۱۳۸۷).

9. United Nation Children's Fund (UNICEF)

امروزه در بسیاری از کشورها کودکان در معرض خشونت، بدرفتاری و غفلت قرار دارند که نشان می‌دهد نقض حقوق کودکان در جهان هنوز به شکل گسترده وجود دارد (کاول، هاو و مک‌نیل^۱، ۲۰۱۰). به نظر می‌رسد نبود آگاهی یا کمبود آگاهی افراد از قوانین حقوقی تصویب شده از سوی مراجع قانونی بین‌المللی و ملی درباره حقوق کودکان به طور عام و دانش‌آموزان به طور خاص و سرپرستان آنها عوامل اساسی در تقویت و تشدید این مسائل باشند. در تأیید این ادعا می‌توان به بررسی مطالعات انجام شده در این زمینه پرداخت. مثلاً، نتایج مطالعه خاک‌رنگین و فتحی (۱۳۸۸) حاکی از آن است که افزایش سطح آگاهی عمومی نسبت به عواقب و پیامدهای کودک‌آزاری در پیشگیری از پایمال کردن حقوق کودکان نقش مهمی ایفا می‌کند. تلاش برای تدوین مجموعه مدون حقوق دانش‌آموز از زوایای متعدد دیگر نیز قابل توجه است؛ زیرا در حال حاضر تعداد زیادی از کودکان در سراسر دنیا از فرصت‌ها و امکانات تربیتی مناسب برخوردار نیستند و حتی برخی فرصت مناسب را برای تحصیل یا دسترسی به آموزش و پرورش ندارند. از این زاویه همان‌طور که آلدerson^۲ (۲۰۰۸) می‌گوید: احترام به حقوق کودکان با هدف برخورداری از حق آموزش برای همه یک ضرورت جدی و انکارناپذیر است.

تدوین مجموعه مدون حقوق دانش‌آموز در سطح پژوهشی نیز یک حوزه مغفول است. اگر چه در سالهای اخیر علاقه به آموزش دانش‌آموزان درباره حقوق آنان و مسئولیتهای مدرسه افزایش یافته (کاول، هاو و پولگیتو^۳، ۲۰۱۱)، اما بندرت محور علاقه پژوهشی پژوهشگران رشته‌های علوم تربیتی و حقوق و سایر علوم اجتماعی قرار گرفته است. نتایج مطالعه تیببتس^۴ (۲۰۰۵) حاکی از آن است که دانش‌آموزان آموزش‌دیده درباره حقوق کودک از نظر شایستگیهای روانی - اجتماعی از هم‌تایان آموزش‌ندیده خود در سطح بالاتری قرار دارند. در واقع، حقوق دانش‌آموز بخشی مهم از حقوق بشر است که در صدد محافظت از کودکان در مقابل هر گونه سوءاستفاده از آنان است (شومبا^۵، ۲۰۰۳). بنابراین، مدارس باید به محیطهای دموکراتیک تبدیل شوند که در آن کودکان حقوق خود را می‌آموزند و صلاحیتهای شهروندی را کسب می‌کنند (اوسلر و استارکی^۶، ۱۹۹۸).

افزون بر آنچه اشاره شد، نسبت بالایی از جمعیت کنونی ایران دانش‌آموز هستند و ارائه یک مجموعه مدون به آشنایی دانش‌آموزان با مواد حقوقی مرتبط با آنان جهت می‌دهد. در این زمینه

1. Covell, Howe & McNeil
2. Alderson
3. Polegato
4. Tibbits
5. Shumba
6. Osler & Starkey

تنها مطالعه انجام شده پژوهش موسوی (۱۳۸۱) است که حقوق و مسئولیت معلمان آموزش و پرورش در حقوق ایران و سند بین المللی توصیه‌نامه معلمان را تبیین نموده است. پژوهش حاضر نیز در صدد است تا با اتکای به منابع حقوقی موجود کشور (قانون اساسی، قوانین عادی، منشور ملی حقوق کودک، قوانین مرتبط با حقوق بشر، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و منابع بین المللی مرتبط) حقوق اساسی و بنیادی دانش‌آموز را استخراج و تدوین نماید. چارچوب حقوقی استخراج شده از پژوهش حاضر از این نظر دارای اهمیت است که می‌تواند پشتوانه عمل قرار بگیرد و به اجرا گذاشته شود؛ چرا که یک مطالعه علمی مبتنی بر منابع موجود است و می‌تواند به صورت لایحه‌ای برای تصویب به مراجع قانونگذاری ارائه شود.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، یک پژوهش «بنیادی-کاربردی» است. به این معنا که از جنبه نظری به توسعه مرزهای دانش در زمینه حقوق دانش‌آموزان کمک می‌کند و دستاوردهای مفهومی نوینی در این زمینه در اختیار جامعه حقوقی و تربیتی قرار می‌دهد. از نظر کاربست نیز به استخراج مجموعه‌ای از اصول و مواد حقوقی مرتبط با زندگی تربیتی دانش‌آموزان می‌انجامد که بر محور آنها می‌توان زمینه‌های مشروعیت‌بخشی به حقوق دانش‌آموزان را رصد نمود. از نظر چگونگی اجرا، مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی است که با روش تحلیل محتوای کیفی^۱ از نوع طبقه‌بندی استقرایی^۲ اجرا شده است (می‌رینگ^۳، ۲۰۰۰؛ گیون^۴، ۲۰۰۸؛ دنزکوم^۵، ۲۰۰۷). با توجه به هدف و مسئله اصلی پژوهش، تحلیل محتوای کیفی هم می‌تواند به شیوه استقرایی و هم به شیوه قیاسی مورد استفاده قرار گیرد. می‌رینگ (۲۰۰۰)، روش اول را تحت عنوان تحلیل محتوای کیفی به روش طبقه‌بندی استقرایی و روش دوم را تحت عنوان تحلیل کیفی محتوا به شیوه طبقه‌بندی قیاسی^۶ معرفی می‌کند. در تحلیل محتوای کیفی به روش طبقه‌بندی استقرایی، پژوهشگر بدون مفروض گرفتن هیچ گونه تعریف یا تعمیمی پیش از شروع تحلیل، به مطالعه متن می‌پردازد و هر آنچه را حاصل این تحلیل است به صورت جمع‌بندی ارائه می‌دهد، اما در تحلیل کیفی محتوا به شیوه طبقه‌بندی قیاسی، پژوهشگر با ارائه و مفروض گرفتن تعاریفی مشخص پیش از شروع پژوهش، به مطالعه متون تعیین‌شده می‌پردازد و با مقایسه تعاریف از پیش تعیین‌شده و متتهای مورد تحلیل، به

1. Qualitative content analysis
2. Inductive categorical method
3. Mayring
4. Given
5. Denscombe
6. Deductive category development

داوری درباره وجود یا عدم وجود مصادیق آن تعریف در متنهای مورد نظر می‌پردازد(می‌رینگ، ۲۰۰۰؛ فردانش، ۱۳۸۷). در این پژوهش از روش طبقه‌بندی استقرایی استفاده شده؛ یعنی بدون مفروض گرفتن هیچ گونه تعریف یا تعمیمی پیش از شروع تحلیل، به مطالعه منابع حقوقی می‌پردازد و حاصل این تحلیل را به صورت یک جمع‌بندی ارائه می‌کند که می‌توان آن را تحت عنوان اصول حقوق دانش‌آموز در نظام حقوقی ایران تلقی نمود.

ماهیت مسئله حاضر با هدف استخراج جایگاه حقوق دانش‌آموز در نظام حقوقی ایجاب می‌کرد که برای گردآوری داده‌ها به منابع مستند در این زمینه مراجعه شود. بنابراین ابتدا به شناسایی اسناد و منابع مربوطه اقدام شد. این منابع قانونی شامل قانون اساسی، قانون مسئولیت‌مدنی، قانون مجازات اسلامی و قوانین آموزش و پرورش (قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش، راهبرد کلان ۶، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) بودند. سپس حقوق دانش‌آموز از مواد مرتبط از این منابع استخراج شد و سرانجام مورد تحلیل و طبقه‌بندی قرار گرفت. تحلیل داده‌ها در این پژوهش با روش تحلیل محتوای استقرایی انجام شد. به این ترتیب که ابتدا منابع و مستندات موجود مورد تحلیل قرار گرفت، سپس مصداقهای منعکس‌کننده حقوق دانش‌آموز از این قوانین استخراج و در نهایت داده‌های به دست آمده کُدگذاری و طبقه‌بندی شدند.

یافته‌های پژوهش

نتایج این پژوهش منجر به استخراج چهارده اصل در زمینه حقوق اساسی دانش‌آموز شد که براساس میزان استناد در منابع قانونی چندگانه مورد دسته‌بندی قرار گرفتند(نک. به جدول ۱). دسته اول شامل دسترسی به آموزش و پرورش رایگان، برخورداری از تسهیلات تربیت‌بدنی رایگان و مساعدت برای دسترسی به آموزش عالی است که در قوانین رسمی ایران و به طور خاص در قانون اساسی به صورت صریح و آشکار به عنوان حقوق اساسی شهروندان مورد اشاره قرار گرفته‌اند. دسته دوم شامل برخورداری از تأمین اجتماعی، آزادی انتخاب نوع و شیوه آموزش، ارتقای سطح دانش و آگاهیهای عمومی، آموزش به زبان مادری (محلی و قومی)، امنیت تحصیلی، برخورداری همه از حقوق مساوی، آزادی فعالیتهای سیاسی و اجتماعی-فرهنگی هستند که در قانون اساسی کشور به صورت مستقیم و صریح بیان نشده، اما در قوانین دیگر به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مورد اشاره واقع شده‌اند. دسته سوم شامل اصولی هستند که در منابع قانونی مصوب مراجع اصلی قانون‌گذاری کشور به صورت صریح یا ضمنی مورد اشاره قرار نگرفته‌اند، اما در منابع و مستندات آموزش و پرورش مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به آنها صریحاً

اشاره شده و عبارت اند از: پرورش خلاقیت‌های هنری، برخورداری از امکانات و فرصت‌های مناسب برای استفاده مفید و سازنده از اوقات فراغت، هدایت و راهنمایی تحصیلی و تسهیل شرایط آموزش برای کودکان دارای نیازهای ویژه.

جدول ۱: اصول چهاردهگانه حقوق دانش‌آموز در نظام حقوقی ایران

منابع قانونی اصول	اصول	قوانین استنادی
اصول تصریح شده در قوانین رسمی	۱. دسترسی به آموزش رایگان	بند ۳ اصل ۳ و اصل ۳۰ قانون اساسی، بند ۸ و ۲۲ ماده ۱۰ «قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش»، بند ۵ راهبرد کلان ۶ در سند نقشه جامع علمی کشور
	۲. برخورداری از تسهیلات تربیت‌بدنی رایگان	بند ۳ اصل ۳ قانون اساسی، بند ۱۲ و ۱۳ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، بند ۱۲ ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش، مصوبه ششصد و بیست و ششمین جلسه شورای عالی مورخ ۱۳۷۷/۰۷/۳۰
	۳. تسهیل امکان و مساعدت برای دسترسی به آموزش عالی برای همه	بند ۳ اصل ۳ و اصل ۳۰ قانون اساسی
	۴. برخورداری همه دانش‌آموزان از تأمین اجتماعی	اصل ۲۹ قانون اساسی، ماده ۱ قانون تأمین اجتماعی، ماده ۲ اساسنامه صندوق تأمین اجتماعی
	۵. آزادی انتخاب نوع و شیوه آموزش	ماده ۳۱، ۳۶ و ۴۴ آیین نامه اجرایی مدارس
اصول تأیید شده در قوانین رسمی	۶. ارتقای سطح دانش و آگاهی‌های عمومی دانش‌آموزان	بندهای ۲ و ۴ اصل ۳ قانون اساسی، نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۷، برنامه تفصیلی دوره سه ساله راهنمایی مصوب ۱۳۴۶ و اهداف آموزشی و تربیتی دوره راهنمایی از جهت علمی در شورای تغییر نظام آموزش و پرورش در سال ۱۳۷۴ و بند (د) ماده ۱۹ قانون پنجم توسعه اقتصادی
	۷. آموزش به زبان مادری (محلی و قومی)	اصل ۱۵ قانون اساسی و بند «ج» ماده ۱۹ قانون پنجم توسعه اقتصادی
	۸. امنیت تحصیلی	اصل ۲۲، ۲۳ و ۲۵ قانون اساسی، ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی، مواد ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ۵۴۱ و ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، آیین نامه رسیدگی به تخلفات امتحانی مصوب جلسه ۶۳۰ - تاریخ ۱۳۷۷/۱۰/۲۴ شماره ابلاغ ۱۲۰/۴۳۸/۸ - تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۸
	۹. برخورداری همه دانش‌آموزان از حقوق مساوی	اصول ۱۴ و ۱۹ قانون اساسی
	۱۰. آزادی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی-فرهنگی	بند ۷ و ۸ اصل ۳ و اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی
اصول تصریح شده در قوانین آموزش و پرورش	۱۱. پرورش خلاقیت‌های هنری دانش‌آموزان	بند ۲۴ ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش مصوبه ششصد و بیست و ششمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش، مورخه ۱۳۷۷/۰۷/۳۰
	۱۲. برخورداری از امکانات و فرصت‌های مناسب برای استفاده مفید و سازنده از اوقات فراغت	بند ۲۷ ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش
	۱۳. هدایت و راهنمایی تحصیلی	بند «د» ماده ۱۸ و بند ۲ ماده ۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بند (ا) سیاست‌های کلی حوزه آموزش

بند «ه» ماده ۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی تبصره ۱ ماده ۳۶ آیین نامه اجرایی مدارس	۱۴. تسهیل و ارائه فرصتهای آموزشی برای کودکان دارای نیازهای ویژه
--	---

الف) اصول تصریح شده در قوانین رسمی

نتیجه تحلیل منابع قانونی مورد مطالعه منجر به استخراج سه اصل اساسی در زمینه حقوق دانش‌آموز شد. این اصول در قوانین رسمی کشور و به طور ویژه در قانون اساسی مستقیم و صراحتاً مورد اشاره واقع شده‌اند.

۱. دسترسی به آموزش رایگان: این حق در بند سوم اصل سه و اصل سی قانون اساسی با اشاره به «وظیفه دولت در فراهم نمودن وسائل آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه» و بندهای ۸ و ۲۲ ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش صراحتاً مورد اشاره واقع شده است. همچنین در بند پنجم راهبرد کلان ۶ سند نقشه جامع علمی کشور «افزایش دسترسی همگانی به آموزش» مورد تأکید قرار گرفته است.

۲. برخورداری از تسهیلات تربیت‌بدنی رایگان: در بند ۳ اصل ۳ قانون اساسی به «تربیت‌بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح» تصریح شده و در بند ۱۲ ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش، مصوبه ششصد و بیست و ششمین جلسه شورای عالی مورخ ۱۳۷۷/۰۷/۳۰ و مصوبه ششصد و چهل و هفتمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورد تأکید قرار گرفته است.

۳. تسهیل امکان و مساعدت برای دسترسی به آموزش عالی برای همه: مطابق بند ۳ اصل ۳ قانون اساسی «دسترسى به آموزش عالی یکی از حقوق مردم بوده و دولت بایستی شرایط لازم برای ورود دانش‌آموزان به آموزش عالی را فراهم نماید». همچنین، اصل ۳۰ این قانون به طور صریح مقرر داشته که «دولت موظف است وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد».

ب) اصول تأیید شده در قوانین رسمی

این اصول به طور مستقیم و صریح مورد اشاره قانونگذار قرار نگرفته و با مراجعه به محتوا و پیامهای مواد گوناگون قانون اساسی در زمینه حقوق دانش‌آموز قابل استنباط‌اند. همچنین در سایر قوانین مصوب مراجع اصلی قانون‌گذاری و آموزش و پرورش نیز تصریح و تأیید شده و تحت عنوان اصول تأیید شده در قوانین رسمی معرفی می‌شوند.

۴. برخورداری همه دانش‌آموزان از تأمین اجتماعی: اصل ۲۹ قانون اساسی تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره را حقی همگانی دانسته و دولت مکلف به اجرای آن است. اشاره به «همگانی بودن این حق» بدون تردید دانش‌آموزان را هم مشمول آن می‌کند.

۵. آزادی انتخاب نوع و شیوه تحصیل: ماده ۳۶ آیین‌نامه اجرایی مدارس شرایط سنی ثبت‌نام در مدارس روزانه را مشخص کرده است و ماده ۳۱ این آیین‌نامه، ثبت نام در مدارس را حق دانش‌آموزانی دانسته که محل سکونت یا محل اشتغال یکی از والدین آنها به مدرسه نزدیکتر باشد. اما، در هیچ یک از منابع مورد مطالعه، اشاره‌ای به وادار کردن افراد به انتخاب نوع آموزش یا شیوه آموزش نشده است.

۶. ارتقای سطح دانش و آگاهی‌های عمومی دانش‌آموزان: بند ۲ اصل ۳ قانون اساسی یکی از وظایف دولت را «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی» و بند ۴ همین اصل «تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان» را از وظایف دولت برشمرده است. در برخی اسناد آموزش و پرورش آشکارا از این حق به عنوان یکی از حقوق اساسی دانش‌آموزان یاد شده و مسئولیت آموزش و پرورش دانش‌آموز در زمینه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی، اطلاعات عمومی و آینده تحصیلی و شغلی از مسئولیت‌های اساسی نظام تربیتی است (بعنوان مثال، نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۷، برنامه تفصیلی دوره سه ساله راهنمایی مصوب ۱۳۴۶ و اهداف آموزشی و تربیتی دوره راهنمایی در سال ۱۳۷۴).

۷. آموزش به زبان مادری (محلّی و قومی): قانون اساسی به طور ضمنی حق آموزش به زبان مادری را از حقوق اساسی دانش‌آموزان می‌داند. به موجب اصل ۱۵ استفاده از زبانهای محلّی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است.

۸. برخورداری از امنیت تحصیلی: قوانین گوناگون با اشاره به عناصری همچون امنیت جسمی دانش‌آموزان، آزادی بیان و عقیده، ممنوعیت استراق‌سمع و تجسس این اصل را تأیید کرده‌اند. مثلاً اصل ۲۲ قانون اساسی، حیثیت، جان، مال و ... را از تعرض مصون می‌داند. قانون مدنی تبیبه طفل را صرفاً از سوی پدر و مادر مجاز می‌داند (ماده ۱۱۷۹). قانون مجازات اسلامی شروطی برای

مسئولیت کیفی تعیین کرده است که عبارت اند از: «عقل، بلوغ و اختیار» (ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی / ۱۳۹۲). بر اساس این قانون برای اطفال ۹ تا ۱۵ سال به جای مجازات اقدامات تأمینی و تربیتی صورت می‌گیرد (ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲). تنبیه دانش‌آموز مجاز نیست و در مواردی که برای دانش‌آموز مجازات تعیین شده، منظور دانش‌آموز بالای ۱۵ سال است (ماده ۵۴۱ قانون مجازات اسلامی / ۱۳۷۵). علاوه بر اینها، براساس اصل ۲۳ قانون اساسی تفتیش عقیده ممنوع و ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ ضمانت اجرای آن است.

۹. برخورداری همه دانش‌آموزان از حقوق مساوی: اصل ۱۹ قانون اساسی با اشاره به برخورداری همه مردم ایران از حقوق مساوی و در نظر نداشتن هیچ ویژگی به عنوان عامل امتیاز این حق را به رسمیت شناخته است. اصل ۱۴ دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان را موظف کرده است که نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی رفتار کنند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند.

۱۰. آزادی فعالیتهای سیاسی و اجتماعی-فرهنگی: مطابق بند ۷ اصل ۳ قانون اساسی دولت موظف به فراهم نمودن آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون برای شهروندان است. در بند ۸ همین اصل یکی از وظایف دولت ایجاد زمینه مساعد برای مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش است. علاوه بر اینها، در اصل ۲۶ به منظور آزادی فعالیتهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تشکیل نهادهای اجتماعی-سیاسی مجاز دانسته شده است و اصل ۲۷ این قانون تشکیل اجتماعات و راهپیماییها را آزاد می‌داند.

ج) اصول تصریح شده در قوانین آموزش و پرورش

دسته سوم اصولی هستند که در منابع قانونی مصوب مراجع اصلی قانون‌گذاری کشور به صورت صریح یا ضمنی مورد اشاره قرار نگرفته و منابع و مستندات آموزش و پرورش مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به آنها صریحاً اشاره نموده‌اند.

۱۱. پرورش خلاقیت‌های هنری دانش‌آموزان: پرورش خلاقیت‌های هنری بر اساس برخی قوانین مانند بند ۲۴ ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش در ششصد و بیست و ششمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش، مورخه ۱۳۷۷/۰۷/۳۰ وظیفه آموزش و پرورش است.

۱۲. برخورداری از امکانات و فرصتهای مناسب برای بهره‌گیری مفید و سازنده از اوقات فراغت: در نظام آموزش و پرورش رسمی ایران فراهم کردن امکانات مناسب برای بهره‌مندی دانش‌آموزان از

اوقات فراغت از وظایف نظام آموزشی قلمداد می‌شود. این مورد در بند ۲۷ ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش آمده است.

۱۳. **هدایت و راهنمایی تحصیلی:** در بند «د» ماده ۱۸ قانون برنامه پنجم توسعه، هدایت تحصیلی در زمینه‌ها و رشته‌های اولویت‌دار مورد نیاز کشور به منظور گسترش حمایت‌های هدفمند مادی و معنوی نخبگان و نوآوران علمی و فناوری یکی از وظایف دولت قلمداد می‌شود. همچنین، بند ۲ ماده ۱۹ قانون پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی به منظور تحقق بخشیدن به بند ۸ سیاست‌های کلی ابلاغی و با هدف ارتقای کیفی سه حوزه دانش، مهارت و تربیت اسلامی یکی از اختیارات دولت را هدایت تحصیلی بر اساس علایق و ویژگی‌های دانش‌آموزان، توسعه حرفه‌ای و سرمایه انسانی مورد نیاز کشور دانسته است.

۱۴. **تسهیل آموزش برای کودکان دارای نیازهای ویژه:** دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه مطابق شیوه‌نامه آموزش تلفیقی فراگیر دانش‌آموزان شامل گروه‌های دچار آسیب بینایی، شنوایی، جسمی-حرکتی، دیرآموز، مشکلات ویژه یادگیری، مشکلات رفتاری-هیجانی (خفیف تا متوسط) بوده و دولت مکلف به منعطف‌سازی مدارس به منظور تسهیل آموزش این کودکان است (بند «ه» ماده نوزده قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی). برای مثال، در تبصره اول ماده ۳۶ آیین‌نامه اجرایی مدارس اشاره شده است که در هر دوره تحصیلی دو سال به حداکثر سقف سنی این دانش‌آموزان اضافه شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف استخراج حقوق اساسی دانش‌آموز در نظام حقوقی ایران انجام شده است تا حقوق دانش‌آموز را شناسایی کند. در این مطالعه کیفی با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی از نوع طبقه‌بندی استقرایی به تحلیل منابع حقوقی پرداخته شده و از طریق تحلیل این منابع مجموعه‌ای از اصول تحت عنوان اصول حقوق دانش‌آموز در نظام حقوقی ایران استخراج شده است. این اصول چهاردهگانه براساس میزان استناد در منابع قانونی چندگانه در سه دسته تصریح شده در قوانین رسمی، تأیید شده در قوانین رسمی و تصریح شده در قوانین آموزش و پرورش قرار گرفته‌اند. این نتایج در ادامه مورد تفسیر و تبیین قرار خواهد گرفت.

حق دسترسی به آموزش رایگان در منابع قانونی مصوب همواره از حقوق اساسی افراد جامعه بوده است. اصل ۱۹ متمم قانون اساسی مشروطه، مواد ۲۲، ۲۳، ۲۴ و ۲۵ قانون اساسی وزارت معارف، ماده ۳ قانون راجع به آموزش و پرورش اجباری و بند ۳ اصل ۳ و اصل ۳۰ قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران و بند (د) ماده ۱۹ قانون پنجم توسعه بر دسترسی به آموزش رایگان به عنوان یکی از حقوق اساسی دانش آموزان تاکید نموده‌اند. در سطح بین‌المللی، ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۲۸ پیمان‌نامه حقوق کودک این حق را شناسایی کرده و از جهت وظیفه‌ای که والدین دارند و همچنین تکالیف دولتها مورد توجه واقع شده است (طلایی، احمدی باباناری و نبوی‌زاده، ۱۳۹۴). در کشورهایی مانند ژاپن مطابق اصل ۲۶ قانون اساسی همه مردم به صورت مساوی حق دسترسی به آموزش بر اساس توانایی خود را دارند. والدین موظف اند فرزندان خود را در مقطع ابتدایی و دبیرستان به مدرسه بفرستند و دولت مرکزی موظف به تهیه رایگان کتاب برای همه دانش‌آموزان است (نموتو^۱، ۱۹۹۹). تحقق بخشیدن به عدالت تربیتی مستلزم در دسترس بودن آموزش و پرورش رایگان برای همه افراد جامعه است و دولت باید شرایط دسترسی همه افراد به آموزش و پرورش رایگان با کیفیت را فراهم کند (آلدسون، ۲۰۰۸). اما وضعیت آموزش رایگان در حال حاضر به گونه‌ای است که در مناطق برخوردار کشور از آن استقبال نمی‌شود و این به سبب نابرابری امکانات آموزشی (فضای آموزشی، معلمان و ...) در مدارس دولتی در مقایسه با مدارس غیرانتفاعی و خصوصی است (رضایی‌زاده و کاظمی، ۱۳۹۱).

به سبب اهمیت تربیت‌بدنی، آموزش آن در کنار فعالیتهای ورزشی از حقوق مردم و وظیفه دولت است (بند ۳ اصل ۳ قانون اساسی، بند ۱۲ ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش، مصوبه ششصد و بیست و ششمین جلسه شورای عالی مورخ ۱۳۷۷/۰۷/۳۰، مصوبه ششصد و چهل و هفتمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش و بند ۱۲ ماده ۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی). در پژوهش محمدی (۱۳۸۹) معلمان گنجانیدن درس تربیت‌بدنی در برنامه آموزشی مدارس را به عنوان یک درس مهم و حیاتی ارزشیابی کرده‌اند. همچنین، مواد اول و دوم منشور یونسکو (۲۰۰۳)، تربیت‌بدنی و ورزش را حق بنیادی تمام کودکان و نوجوانان دانسته و به منظور ایجاد تعادل و تقویت رابطه فعالیت جسمانی و دیگر اجزای آموزش و پرورش مؤسسات ملی هر کشور را برای بهبود و توسعه تربیت‌بدنی موظف می‌کند. ماده ۲۹ پیمان‌نامه حقوق کودک با تأکید بر رشد تواناییهای جسمی کودکان به تربیت‌بدنی و لزوم ترویج آن تأکید می‌کند.

آموزش عالی نقش اساسی در پیشبرد اهداف علمی هر کشور دارد و نقش اساسی در رشد و توسعه جامعه در ابعاد مختلف فناوری، علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کند

(ابطحی و ترابیان، ۱۳۸۹). قوانین گوناگون دسترسی به آموزش عالی را از حقوق افراد جامعه دانسته و بر آن تأکید نموده‌اند. برای مثال، بند ۳ اصل ۳ و اصل ۳۰ قانون اساسی و بند «ب» ماده ۱۶ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بند ۱ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و قسمت «ج» بند دوم این ماده و بند «پ» ماده ۲۸ پیمان‌نامه حقوق کودک بر آن تأکید نموده‌اند.

در اصل ۲۹ قانون اساسی، ماده ۱ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، بند ۱۳ ماده ۱۰ قانون اهداف وزارت آموزش و پرورش و مصوبه ششصد و بیست و ششمین جلسه شورای عالی مورخه ۱۳۷۷/۰۷/۳۰ بر تأمین اجتماعی به منزله حق اساسی برای همه مردم از جمله دانش‌آموزان تأکید شده است. در سطح بین‌المللی برخی از اسناد مانند ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی، ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۲۶ پیمان‌نامه حقوق کودک این حق را شناسایی کرده‌اند. تأمین اجتماعی در مفهوم گسترده به طیفی قابل توجه از خدمات رفاه اجتماعی اطلاق می‌شود و به مفهوم محدود به برنامه خاصی تحت عنوان «تأمین اجتماعی» (شهبازی‌نیا، ۱۳۸۶). اساسی‌ترین مبنای تأمین اجتماعی تحقق عدالت است (قابل، ۱۳۹۰) و همبستگی اجتماعی و مسئولیت‌پذیری از اصول مبنایی آن است (میرزایی و میرزایی، ۱۳۹۴).

در زمینه انتخاب زمان تحصیل به منزله یک حق، از جهت شروع و خاتمه آن، آزادی عمل چندانی وجود ندارد و محدوده سنی تحصیل در قانون مشخص می‌شود. ماده ۳۶ آیین‌نامه اجرایی مدارس شرایط سنی ثبت‌نام در مدارس روزانه و ماده ۴۶ این آیین‌نامه شرایط سنی تحصیل در مدارس بزرگسالان (شبانه) و متفرقه را تعیین نموده‌اند. در زمینه مکان تحصیل ماده ۳۱ این آیین‌نامه اولویت ثبت نام در مدرسه را نزدیکی به محل زندگی یا نزدیکی مدرسه به محل شغل پدر و مادر می‌داند. در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) آمده است که والدین حق دارند نوع آموزش کودکان خود را انتخاب کنند. این بدان معناست که نهاد آموزش و پرورش موظف است شرایط و فرصتهای متعدد فراهم کند و به مدارس با انواع برنامه‌های درسی گوناگون اجازه فعالیت بدهد تا انتخاب نوع مدرسه مورد نیاز والدین ممکن باشد.

ارتقای سطح دانش، نگرش و مهارت در زمینه‌های علمی، اجتماعی-فرهنگی و ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی دانش‌آموزان در منابع قانونی گوناگون از جمله بند ۲ و ۴ اصل ۳ قانون اساسی، نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۷، برنامه تفصیلی دوره سه ساله

راهنمایی و اهداف آموزشی و تربیتی دوره راهنمایی از نظر علمی در شورای تغییر نظام آموزش و پرورش در سال ۱۳۷۴ و بند (د) ماده ۱۹ قانون پنجم توسعه اقتصادی مورد اشاره قرار گرفته است. در سطح بین‌المللی، اسناد گوناگون مانند ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۷ پیمان‌نامه حقوق کودک بر این حق تصریح دارند. بر مبنای این حق، رسالت اساسی نظام‌های تربیتی توانمندسازی افراد و ایجاد شرایط برای رشد همه جانبه شخصیت و تمامی ابعاد وجودی آنان است به گونه‌ای که بتواند در موقعیتهای اجتماعی مشارکت فعال داشته باشد و احساس اعتماد به نفس و عزت‌نفس آنان تقویت شود (کومانز، ۲۰۰۷؛ وودهد، ۲۰۰۵). در کنوانسیون حقوق کودک به طور صریح بر حق کودک به دسترسی به اطلاعات کافی در زمینه سلامت و رشد خود و همین‌طور مشارکت سازنده در جامعه تاکید شده است.

داشتن حقوق مساوی در منابع قانونی از جمله اصل ۱۴ و ۱۹ قانون اساسی مورد تأیید قرار گرفته است. همان‌گونه که جاوید (۱۳۹۲) خاطرنشان می‌کند، در اسلام به معنای خاص، اقلیت وجود ندارد و همگان در برخورداری از حقوق بنیادین بشری از حقوقی مساوی برخوردارند. زارعی، زینی‌وند و محمدی (۱۳۹۲) بر لزوم برابری اقلیتهای دینی با دیگر آحاد جامعه، آزادی آنها در پایبندی به عقاید دینی خود و عمل به شعائر آن و حقوق اجتماعی و سیاسی تاکید می‌کنند. ابراهیمیان (۱۳۹۰) ضمن تعریف تساوی در برابر قانون با استناد به اصول ۱۹، ۲۰، بند ۴ اصل ۳ و بند ۹ اصل ۳ عموم مردم ایران را دارای حقوق مساوی می‌داند. در سطح بین‌المللی، «کمسیون مبارزه با تبعیض در آموزش مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ توسط کنفرانس عمومی سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد» بر حقوق مساوی همه دانش‌آموزان به‌ویژه در زمینه آموزش تأکید می‌کند. همچنین ماده ۲ و ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر بر ممنوعیت تبعیض و تساوی همگان در برابر قانون اشاره و تأکید دارند.

حق آزادی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی-فرهنگی همه مردم ایران در منابع قانونی گوناگون مانند بند ۷ و ۸ اصل سوم، اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی شناسایی شده است. بند ۱ ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر بر آزادی تشکیل اجتماعات و مجامع و انجمنهای مسالمت‌آمیز و بند ۱ ماده ۲۷ این منشور بر آزادی فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی تأکید نموده‌اند. در پیمان‌نامه حقوق کودک نیز پاره‌ای از مواد بر حق آزادیهای کودکان اشاره دارند که از آنها می‌توان آزادی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی-فرهنگی را برای دانش‌آموزان استنباط نمود.

مطابق اصل ۱۵ قانون اساسی زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی و اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این خط و زبان باشد. به منظور رعایت حقوق دارندگان زبانهای دیگر و حفظ آن زبانها اصل ۱۵ قانون اساسی و بند «ج» ماده ۱۹ قانون پنجم توسعه بر آزادی آموزش آنها تأکید کرده‌اند. اله‌مرادی و سیف‌الهی (۱۳۹۱) زبان را یکی از شاخه‌های تمدن و فرهنگ دانسته‌اند که فرهنگ مکتوب هر جامعه با آن نوشته و به نسلهای دیگر انتقال داده می‌شود. به سبب اهمیت زبان مادری، یونسکو روز ۲۱ فوریه را در سال ۱۹۹۹ به عنوان روز جهانی زبان مادری نامگذاری کرده است تا تنوع زبانی و فرهنگی ارزشمند نشان داده شود. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز سال ۲۰۰۸ را سال جهانی زبانها اعلام کرده است. افزون بر اینها، برخی اسناد از جمله بند «ت» ماده ۱۷ پیمان‌نامه حقوق کودک و ماده ۳۰ این پیمان‌نامه به حق استفاده از زبان مادری اشاره داشته و آن را به رسمیت شناخته‌اند. اهمیت زبان مادری برخی سازمانها مانند یونسکو (۲۰۰۳) را بر آن داشت تا تأکید کنند که زبان مادری هم باید تدریس شود و هم تدریس از طریق این زبان انجام شود (۲۰۱۴).

امنیت تحصیلی دانش‌آموزان در محیط مدرسه شامل امنیت جسمی، امنیت عقیدتی، امنیت مسائل خصوصی مانند استراق‌سمع، امنیت وسایل همراه دانش‌آموز و ... است. اصول ۲۲، ۲۳ و ۲۵ قانون اساسی، ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی، ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی / مصوب ۱۳۹۲ و مواد ۵۴۱ و ۵۸۲ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و آیین‌نامه رسیدگی به تخلفات امتحانی مصوب جلسه ۶۳۰ - تاریخ ۱۳۷۷/۱۰/۲۴ شماره ابلاغ ۱۲۰/۴۳۸۱/۸ - تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۸ بر این حق اساسی تصریح دارند. این حقوق به طور خاص بر آگاهی از پیامدهای منفی تنبیه بدنی کودکان از سوی والدین در محیط خانه و خانواده اشاره دارد. در پژوهشهای رفتاری هم تنبیه ایزاری مناسب برای اصلاح رفتار کودکان ارزیابی نشده (تمنائی‌فر و همکاران، ۱۳۹۰؛ علوم‌ی‌زدی، ۱۳۸۰) و در منابع فقهی و قوانین بین‌المللی نیز به عدم جواز تنبیه بدنی در دو سطح خانواده و مدرسه اشاره شده است (حسینی‌خواه، ۱۳۹۰). آزادی عقیده زیر مجموعه‌ای از آزادی بیان است. آزادی بیان صرفاً منحصر به آزادی سخن گفتن نمی‌شود بلکه به صور گوناگون جلوه‌گر می‌شود. بیان، عبارت است از بروز تبلور اندیشه‌ها، تفکرات و عقاید اشخاص به هر شکل ممکن. این آزادی هم در مبانی اسلامی و هم مبانی غربی مورد تأیید قرار گرفته است و یکی از حقوق اساسی بشر به شمار می‌رود (برندگی، ۱۳۸۹). قوانین بین‌المللی از جمله مواد ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ پیمان‌نامه حقوق کودک

مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بیستم نوامبر ۱۹۸۹ در خصوص امنیت تحصیلی الزاماتی را به عهده کشورهای پذیرنده این پیمان نامه ایجاد نموده‌اند.

لزوم پرورش خلاقیت‌های هنری دانش‌آموزان در برخی منابع قانونی مانند بند ۲۴ ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش و مصوبه ششصد و بیست و ششمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش، مورخه ۱۳۷۷/۰۷/۳۰ مورد تاکید قرار گرفته است. در سطح بین‌المللی بند ۱ ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۳۱ پیمان‌نامه حقوق کودک بر این حق اساسی دانش‌آموزان به منزله بخشی از افراد جامعه تاکید دارند.

در طول سال معمولاً زمان قابل توجهی از وقت دانش‌آموزان به سبب تعطیلی آموزشهای رسمی خالی است. برنامه‌ریزی مناسب برای استفاده بهینه از اوقات فراغت ضرورتی اجتناب ناپذیر است که سیاستگذاران تربیتی باید درباره آن تصمیم‌گیری کنند (صراف، محمدصالحی، خیراللهی، رحیمی و محمدبیگی، ۱۳۹۴). ساماندهی این اوقات از اهمیت بسیار برخوردار است و امروزه برخی منابع قانونی به آن اختصاص دارند. بند ۲۷ ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش برنامه‌ریزی در مورد اوقات فراغت دانش‌آموزان را از وظایف آموزش و پرورش می‌داند. در سطح بین‌المللی ماده ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر بر حق استراحت، فراغت و تفریح انسانها اشاره و تاکید دارد. بند ۱ ماده ۳۱ پیمان‌نامه حقوق کودک ضمن تصریح به این حق کودکان، حق داشتن فعالیتهای تفریحی متناسب با سن کودک و مشارکت آزادانه او در زندگی فرهنگی و هنری را به رسمیت شناخته است.

منابع قانونی گوناگون بر لزوم هدایت و راهنمایی تحصیلی اشاره کرده و آن را از حقوق دانش‌آموزان دانسته‌اند. برای مثال بند «د» ماده ۱۸ قانون برنامه پنجم توسعه و بند ۲ ماده ۱۹ قانون پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی در سطح ملی و بند ۲ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر بر این حق تاکید دارند. از مطالعه پژوهشهای پیشین می‌توان دریافت که برنامه‌های هدایت تحصیلی در کشور ما با فراز و نشیبهای بسیار همراه بوده است. این برنامه‌ها به طور شایسته اجرا نشده و اهداف و مقاصد اصلی آن تحقق نیافته است. ایجاد بستر مناسب، تصریح نیازها و امکانات جامعه، ارتقای سطح دانش و مهارت حرفه‌ای مشاوران، تلاش مداوم و اهتمام جدی برای شناخت و راهنمایی دانش‌آموزان از آغاز تحصیل تا مرحله کسب صلاحیت خود-رهبری و استمرار در انجام دادن پژوهش و ارزشیابی اقدامها و برنامه‌ها، عواملی هستند که می‌توانند به بهبود برنامه هدایت تحصیلی کمک کنند (نویدی، ۱۳۹۶).

به منظور تسهیل آموزش و پرورش کودکان دارای نیازهای ویژه پاره‌ای از منابع قانونی مانند بند «ه» ماده ۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی و تبصره ۱ ماده ۳۶ آیین‌نامه اجرایی مدارس ضمن شناسایی حقوق این نوع دانش‌آموزان وظایفی به عهده آموزش و پرورش قرار داده‌اند. ماده ۲۳ پیمان‌نامه حقوق کودک بر لزوم فراهم کردن شرایط زندگی کامل و محترمانه در شرایطی که متضمن منزلت و افزایش اتکا به نفس او باشد و مشارکت مؤثر او را در جامعه تسهیل نماید، حق برخورداری از مراقبت ویژه، ارائه رایگان مراقبت در صورت نیاز و مبادله اطلاعات بهداشتی به منظور پیشگیری از بیماری و معالجه این کودکان تأکید کرده است. برای مثال، کودکان خیابانی دسته‌ای از کودکان هستند که نیاز به آموزش ویژه دارند. برنامه‌های آموزشی باید علاوه بر ایجاد و تسهیل دسترسی به آموزش، بر ارتقای سلامت جسمانی، رشد شخصی و هیجانی، روابط و تعاملات اجتماعی و بهبود وضعیت زندگی و رفاه این کودکان نیز متمرکز شوند (نوری و کریمی، ۲۰۱۸).

براساس نتایج این پژوهش، حقوق دانش‌آموز در نظام حقوقی ایران به صورت مستقیم و غیرمستقیم مورد اشاره قرار گرفته است. اصول چهاردهگانه استخراجی از این مطالعه نخستین اقدام برای توجه به حقوق دانش‌آموز هم در سطح نظری و هم در سطح عملی و سیاست‌گذاری است. به هر حال، در مطالعات آینده لازم است که الگوی مفهومی استخراج شده از منظر صاحب‌نظران و متخصصان حقوقی و تربیتی مورد واکاوی قرار گیرد و با اعمال نظرات آنان تعدیل و اصلاح شود. در پژوهش‌های آینده ضرورت دارد که به مطالعه تطبیقی حقوق دانش‌آموز در ایران و سایر کشورهای جهان متمرکز شوند تا از نتیجه این مقایسه اصول استخراجی حاصل این مطالعه قابلیت اعتبار بیشتری پیدا کند. به منظور تبیین بهتر حقوق دانش‌آموز، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده حقوق معلمان نیز مورد مطالعه قرار گیرد. همچنین با توجه به اینکه شناسایی و معرفی وظایف، تعهدات و مسئولیت‌های معلمان، مسئولان مدرسه و سایر افراد دست‌اندرکار تربیت دانش‌آموزان می‌تواند به شفاف‌سازی تکالیف و مسئولیت‌های این افراد کمک کند، پیشنهاد می‌شود در این زمینه پژوهشی انجام شود.

افزون بر اینها، آموزش حقوق دانش‌آموز باید در کانون توجه برنامه‌های درسی مدارس قرارگیرد و سیاست‌گذاران تربیتی و معلمان باید برای تلفیق آموزش حقوق دانش‌آموز در برنامه درسی مدرسه تلاش کنند. در سطح بین‌المللی، اقداماتی شایسته در این زمینه انجام شده است.

مثلاً، یونیسف (۲۰۱۴)، به انتشار مجموعه‌ای با عنوان «برنامه آموزش حقوق کودک» مبادرت کرده است که به بهره‌گیری از رویکرد آموزش حقوق کودک در جریان تربیت رسمی از پیش دبستان تا دبیرستان تأکید کرده و رسالت اساسی این برنامه را تدریس مبانی و اصول حقوق کودک به منظور توانمندسازی کودکان و بزرگسالان برای اشاعه و کاربست این حقوق در سطوح خانواده، مدرسه، جامعه، ملی و بین‌المللی عنوان کرده است.



منابع

- ابراهیمیان، حجت‌اله. (۱۳۹۰). حقوق عام اقلیت‌های دینی در قوانین اساسی ایران، مصر و عراق. *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا*، ۹، ۱۵۱-۱۶۰.
- ابطحی، سیدحسین و ترابیان، محسن. (۱۳۸۹). بررسی تحقق اهداف آموزش عالی بر اساس سند چشم‌انداز بیست ساله کشور با روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP). *فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۴ (۸)، ۳۱-۶۰.
- اله‌مرادی، شهین و سیف‌الهی، سیف‌اله. (۱۳۹۱). مطالعه و بررسی تأثیر آموزش به زبان مادری بر افزایش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان (مطالعه موردی: دانش‌آموزان مقطع متوسطه ناحیه یک شهر سنجند-۹۲-۱۳۹۱). *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۴ (۱۶)، ۶۵-۸۳.
- اهداف آموزشی و تربیتی دوره راهنمایی در سال ۱۳۷۴، مصوبه ششصد و چهل و هفتمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش.
- اهداف کلی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، مصوبه ششصد و بیست و ششمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۷۷/۰۷/۳۰).
- برنامه تفصیلی دوره سه ساله راهنمایی. (۱۳۴۶). وزارت آموزش و پرورش، طرح تفصیلی دوره راهنمایی تحصیلی. برندگی، بدری. (۱۳۸۹). نسبیّت یا اطلاق آزادی بیان به عنوان یکی از مؤلفه‌های حقوق بشر در مبانی اسلامی و غرب. *حقوق بشر*، ۵ (۲)، ۳۹-۵۴.
- پورقهرمانی گلنپه، بابک. (۱۳۸۳). نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن. *رواق اندیشه*، (۲۸)، ۶۷-۸۴.
- تمنائی‌فر، محمدرضا؛ سلامی محمدآبادی، فاطمه و دشتبان‌زاده، سمیه. (۱۳۹۰). پیامدهای تنبیه بدنی کودکان توسط والدین در محیط خانه و خانواده. *حقوق بشر*، ۶ (۲)، ۸۹-۹۸.
- جاوید، محمدجواد. (۱۳۹۲). تبعیض مثبت در اسلام و حقوق اقلیت‌های دینی در حکومت اسلامی. *نشریه حکومت اسلامی*، ۱۸ (۱)، ۱۳۷-۱۶۲.
- جاهد، محمدعلی. (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی حقوق کودکان و نوجوانان. *کانون وکلا*، ۲۰۲ و ۲۰۳، ۱۷۳-۱۹۰.
- حسینی‌خواه، سیدجواد. (۱۳۹۰). راهکارهای تقریب دیدگاه فقه امامیه و نظام بین‌الملل حقوق بشر در مسئله تنبیه بدنی کودکان. *حقوق بشر*، ۶ (۲)، ۳-۲۴.
- خاک‌رنگین، مریم و فتحی، منصور. (۱۳۸۸). عوامل خانوادگی مرتبط با کودک‌آزاری (آموزش و پرورش منطقه ۱۵ شهر تهران). *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۹ (۳۳)، ۱۲۳-۱۴۵.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*، (سند مشهد مقدس). تهران: وزارت آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- رضایی‌زاده، محمدجواد و کاظمی، داود. (۱۳۹۱). بازشناسی نظریه «خدمات عمومی» و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *فقه و حقوق اسلامی*، ۳ (۵)، ۲۳-۴۶.
- زارعی، بهادر؛ زینی‌وند، علی و محمدی، کیمیا. (۱۳۹۲). حقوق اقلیت‌ها از منظر اسناد بین‌المللی، اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۳ (۱)، ۴۹-۷۰.

شهبازی‌نیا، مرتضی. (۱۳۸۶). حق برخورداری از تأمین اجتماعی: ویژگی‌ها، محتوا و اصول حاکم بر آن. فصلنامه تأمین اجتماعی، ۹ (۳۰)، ۳۹-۶۴.

صراف، پریسا؛ محمدصالحی، نرگس؛ خیراللهی، فاطمه؛ رحیمی، زهرا و محمدبیگی، ابوالفضل. (۱۳۹۴). بررسی چگونگی گذراندن اوقات فراغت و متغیرهای وابسته به آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم، سال ۱۳۹۴. مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، ۱۰ (۱۱)، ۸۵-۹۴.

طلایی، فرهاد؛ احمدی باباناری، سمیرا و نبوی‌زاده، سیده‌لیلا. (۱۳۹۴). تحلیلی بر کار کودک و تأثیر آن بر حق آموزش کودک با تأکید بر برنامه بین‌المللی حذف کار کودک. حقوق بشر، ۱۰ (۱)، ۳-۲۴.

علوم‌ی‌یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۰). تبیین بدنی در مدارس و عواقب آن. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۷ (۲)، ۳۱-۴۶. فردانش، هاشم. (۱۳۸۷). طبقه‌بندی الگوهای طراحی سازنده‌گرا بر اساس رویکردهای یادگیری و تدریس. مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، ۹ (۲)، ۵-۲۱.

قابل، احمد. (۱۳۹۰). تأمین اجتماعی در قرآن. فصلنامه تأمین اجتماعی، ۳ (۱)، ۲۳۷-۲۵۸.

قانون اساسی مشروطه، مصوب ۸ دی ۱۲۸۵ خورشیدی (۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ قمری).

قانون اساسی وزارت معارف، مصوب ۱۲۹۰/۸/۹.

قانون راجع به آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی، مصوب ۱۳۲۲/۰۵/۰۶.

قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۰۷ مجلس شورای ملی.

قانون اجازه الحاق دولت شاهنشاهی ایران به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی. مصوب ۱۳۵۴/۲/۱۷.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸/۰۸/۱۲.

قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)، مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵.

قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ مجلس شورای اسلامی.

محمدی، شراره. (۱۳۸۹). تربیت بدنی: اهداف، الگوها و ملاحظات. آموزش تربیت بدنی، ۱۱ (۱)، ۴۳-۴۵.

موسوی، عبدالرزاق. (۱۳۸۱). حقوق و مسئولیت آموزش و پرورش در حقوق ایران و سند بین‌المللی توصیه‌نامه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

میرزایی، علیرضا و میرزایی، زهرا. (۱۳۹۴). ماهیت حق بر تأمین اجتماعی در اسلام. دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۴ (۸)، ۹۵-۱۱۶.

نویدی، احد. (۱۳۹۶). هدایت تحصیلی در نظام آموزش و پرورش ایران: تجارب عملی و چالشهای پایدار. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳۴ (۱)، ۹-۳۴.

Alderson, P. (2008). *Young children's rights: Exploring beliefs, principles and practice* (2nd ed.). London; Philadelphia: Jessica Kingsley Publishers.

Coomans, F. (2007). *Identifying the key elements of the right to education: A focus on its core content*. Available at: <http://www.crin.org/docs/Coomans-CoreContent-RighttoEducationCRC.pdf>

Covell, .. , oo w,, R. B., & Mee ,, J. .. (2010). Impeemennng hhdhnn's human rggss education in schools. *Improving Schools*, 13(2), 117-132. <https://doi.org/10.1177/1365480210378942>

- Covell, K., Howe, R. B., & Poggendorf J. L. (2011). Children's human rights education as a counter to social disadvantage: A case study from England. *Educational Research*, 53(2), 193-206. <https://doi.org/10.1080/00131881.2011.572367>
- Denscombe, M. (2007). *The good research guide* (3rd ed.). Maidenhead, England: Open University Press/McGraw-Hill.
- Given, L. M. (2008). *The Sage encyclopedia of qualitative research methods (volume 1 & 2)*. Los Angeles, London, New Delhi, Singapore: Sage.
- Mayring, P. (2000). Qualitative content analysis. *Forum Qualitative Sozialforschung/Forum: Qualitative Social Research [On-line Journal]*, 1(2), 20. Available at: <http://qualitative-research.net/fqs/fqs-e/2-00inhalt-e.htm>.
- Nemoto, Y. (1999). *The Japanese education system*. Parkland, Florida: Universal Publishers.
- Nouri, A. & Karimi, Y. (2018). A phenomenological study on the meaning of educational justice for street children. *Education, Citizenship and Social Justice*, 18. DOI:10.1177/1746197918760083
- Iller, A., & Rourke, J. (1998). Children's rights and teacher's role in the management of schools. *The International Journal of Children's Rights*, 6(3), 313-333. <https://doi.org/10.1163/15718189820494085>
- Humbert, A. (2003). Children's rights education: What do teachers know? *Child Abuse Review*, 12(4), 251-260. <https://doi.org/10.1002/car.800>
- Tibbitts, F. (2010). *Impact Assessment of the Rights Education Action Programme (REAP)*. Final Report Submitted to Amnesty International Norway. HREA.
- UNESCO. (2003). *Education in a multilingual world: UNESCO education position paper*. Paris: UNESCO. Available at: www.unesco.org/education.
- UNICEF. (2014). *Child rights education toolkit: Rooting child rights in early childhood education, primary and secondary schools*. Geneva: UNICEF Private Fundraising and Partnerships Division.
- United Nations. (1948). *Universal Declaration of Human Rights*. Available at: <https://www.un.org/en/universal-declaration-human-rights/>
- United Nations Human Rights Committee. (1966). *International Covenant on Civil and Political Rights*. Available at: <http://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/ccpr.aspx>
- United Nations Human Rights Office of the High Commissioner. (1966). *International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights*. Available at: <http://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/CESCR.aspx>
- _____. (1989). *Convention on the Rights of the Child*. Available at: <http://www2.ohchr.org/english/law/crc.htm>
- Woodhead, M. (2005). Early childhood development: A question of rights. *International Journal of Early Childhood*, 37(3), 79-98. DOI: 10.1007/BF03168347